

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲۳ تیر ماه ۱۳۲۲

## فهرست مطالب :

- |  |   |
|--|---|
| ۱ - تصویب صورت مجلس                                      | وزارت خواربار و معرفی آقای تدین بسمت وزیر مشاور |
| ۲ - بقیه شور دوم لایحه آموزش و پرورش عمومی از ماده سوم   | ۴ - بقیه شور دوم لایحه آموزش و پرورش عمومی      |
| ۳ - تقدیم فقره لایحه از طرف آقای نخست وزیر ریاجع باینجمل | ۵ - موقع دستور جلسه چند - ختم جلسه              |

(مجلس دو ساعت و ربع پیش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس روز ۲۱ تیر ماه را آقای (هاشمی) منشی قرائت نمودند

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

رئیس - در ضمن غائبین آقای دکتر سمیعی را هم نوشته اند ایشان ناخوش هستند و باید اصلاح شود آقای دولتشاهی هم همینطور اشخاصی که ناخوش هستند نباید غایب نوشته شوند آقای پالیزی در صورت مجلس فرمایشی دارید؟

پالیزی - خیر قبل از دستور

رئیس - آقای صفوی در صورت مجلس فرمایشی دارید؟

صفوی - خیر قبل از دستور

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (اظهاری نشد)

صورت مجلس تصویب شد .

[ ۳ - بقیه شور دوم لایحه آموزش و پرورش عمومی ]

رئیس - ماده سوم لایحه تعلیمات عمومی مطرح بود و خوانده شد .

جمعی از نمایندگان - ماده خوانده شود هنوز کسی

صحبت نکرده است

رئیس - ماده سوم خوانده میشود

ماده سوم - آموزش و پرورش در دبستانهای دولتی در

عین مذاکرات مشروح یکصد و هشتاد و دومین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری (مطابق قانون ۲۸ آذرماه ۱۳۰۵)

اداره آند نویسی و نهر بر صورت مجلس

غائبین اسمی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است :

- غائبین با اجازه - آقایان : دکتر سنگ - دادور - فاطمی  
 غائبین بی اجازه - آقایان : دکتر سمیعی - فیاض - طوسی - شه دوست - مؤید احمدی - اورنگ - طالش خان - دکتر تاج بخش - مشار - مشردو اتی - شجاع - عطاالله پالیزی - حمزه تاش - مهدی - معتمد سنگ - فرش - سلطانی - طهرانی - صادق وزیری - دولتشاهی - لاریجانی - شاهننگ - کامل ما کو - حریری - بوداغبان - فرمانفرمایان - یار احمدی .  
 دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : نصر نیان - لبقوانی - اکبر - امامی .

تمام کشور بجائی است و بهیچ عنوان نباید از دانش آموزان وجهی مطالبه شود بدانش آموزان بی بضاعت کتاب درس بجائی داده خواهد شد.

**رئیس** - چون آقای فهاض غائب هستند امروز هم آقای هاشمی بعنوان مخبر انجام وظیفه میکنند  
آقای رضوی فرمایشی داشتید.

**رضوی** - عرض کنم با این وضعیت بودجه‌ای که وزارت فرهنگ دارد بالاخره در امسال نمیتواند آموزش و پرورش اجباری را در مملکت جاری بکند و بالاخره پیداست که یک بودجه قوی که بتواند در اطراف و اکناف مملکت در هر گوشه و کنار این منظور را عملی بکند و تعلیمات اجباری را در مملکت جاری کند نیست بنابراین باید از همان وسائلی که فعلاً تاموقمی که میخواهند قانون را اجرا کنند در دست هست استفاده بکنند و یکی از آن وسایل که از مدتی باین طرف در مملکت ما بوده و حق تقدم در این خدمت بزرگ فرهنگی دارند مدارس ملی است این مدارس هم البته در یک موقعی دامن همت بکمر زدند و شروع کردند به آموزش و پرورش که اسمی از وزارت فرهنگ هم شاید نبود و در حقیقت آنها با یک عشقی به تعلیم و تربیت آمدند و شروع کردند با اقدامات مهمی تا امروز و با اینکه توانستند از راه آموزش چیزهایی که شاید با برنامه‌های امروزی هم درست تطبیق نمیکرد بچیمانی باین کشور بکنند و آقایی که مدارس ملی قدیم را دیده‌اند و توجه فرموده‌اند میدانند که در معنویات و تحصیلات مجاهدت آنها اگر زیادتر برنامه‌های امروزی نبود کمتر هم بوده‌است (صحیح است) بنابراین باید یک کاری کرد که آنها هم تصویب بشوند چون کمک بآنها کمک بوضعیت دولت و کمک بفرهنگ عمومی است و آنها هم با سوابق ممتدی که دارند و زحماتی که در این کار کشیده‌اند بوسیله دولت تضعیف میشوند اینجانبان نوشته‌اند آموزش و پرورش در دبستانهای دولتی در تمام کشور بجائی است و بهیچ عنوانی هم نباید از دانش آموزان وجهی مطالبه شود این ماده بسیار ماده خوبی است و در مدارس

دولتی هم خاصه و حتی که بخواهند تحصیلات را اجباری کنند نباید پول بگیرند اما یک عده ای که دارا هستند و مستطیع هستند و میتوانند بفرهنگ کمک بکنند نباید آنها را هم بجائی کرد و حتی الامکان بنده عقیده‌ام این است که وزارت فرهنگ یک پیش بینی بکند یا در قانون یادآورین نامه که بتصویب کمیسیون فرهنگ خواهد رسید و دستوری بمدارس دولتی بدهند که حتی الامکان از پذیرفتن شاگردان مستطیع خودداری شود بلکه باین وسیله هم کمکی بیودجه شده و هم وسیله‌ای شود این مدارس ملی که حالا نمیتوانند از دولت کمک خرج بگیرند تقویت بشوند و بالنتیجه بکار خودشان ادامه بدهند و با اجرای این قانون که دولت در مقام اجرای آن برآمده است کمکی کرده باشند.

**رئیس** - آقای انوار

**انوار** - بنده کاملاً با اظهارات آقای رضوی موافق هستم و باید آقای وزیر در این باب جواب بدهند چون دولت مسلماً باید توجه کند و تقویت کند مدارس ملی را که یک خدماتی کرده‌اند و باید هم بخدمات خودشان ادامه بدهند این است که خوب است آقای وزیر جواب آقای رضوی را بدهند و این قسمت را تأیید کنند (صحیح است)

**وزیر فرهنگ** - عرض کنم بنده در جلسه گذشته هم عرض کردم مدارس ملی ما بحال خودش باقی است و کمک‌های مادی هم وزارت فرهنگ می‌کند و یک اعاناتی هم هست که بآنها داده می‌شود و آنها هم استفاده میکنند و ما هم بآنها احتیاج خواهیم داشت و بیشتر هم بآنها کمک میکنیم و اما اینکه آقای رضوی فرمودند اشخاص با بضاعت را ما منع کنیم از ورود در مدارس دولتی تصدیق فرمائید این کار مشکلی است البته حتی الامکان رعایت خواهد شد ولی نمیتوان مانع شد که اشخاصی که استطاعت دارند وارد مدارس دولتی نشوند شاید در آئین نامه‌هایی که با نظر کمیسیون فرهنگ تنظیم خواهد شد ممکن باشد رعایت نظر جنابعالی بشود - ولی تصدیق فرمائید در قانون کار مشکلی است و جا ندارد نوشته شود.

**رئیس** - پیشنهاد آقای نراقی خوانده می‌شود:  
پیشنهاد میکنم در ماده ۳ در سطر آخر بعد از کلمه کتاب درس کلمه و نوشت افزار هم اضافه شود.  
**نراقی** - چون در آخر ماده نوشته شده است به محصلین بی بضاعت کتاب درس داده می‌شود بنده پیشنهاد کردم نوشت افزار یعنی قلم و کاغذ و لوازم التحریر هم بآنها داده شود مخصوصاً خورده فروشی نوشت افزار خیلی گران است و برای اشخاص و اطفال بی بضاعت بسیار گران تمام می‌شود و توانائی خرید آنرا ندارند ولی برای دولت که یک جا بخرد ارزان و مناسب تمام می‌شود حالا که کتاب درس میدهند قلم و کاغذ هم به بی بضاعت‌ها بدهند.

**وزیر فرهنگ** - در این ماده اگر نظر آقایان باشد اول نوشته شده بود تحصیل در مدارس دولتی بجائی است و قسمت دادن کتاب مجانی به کودکان بی بضاعت بعد اضافه شد در کمیسیون بنده با این که تصدیق کردم در کمیسیون و گفتم که باید همه نوع کمک با اطفال بی بضاعت شود تأمل داشتیم در قبول این قسمت برای اینکه وسایلی که این کار را انجام بدهیم باید اول فراهم کرد البته همه میدانند که این کار خوب است که اطفال بی بضاعت را نه تنها کتاب بدهیم بلکه نوشت افزار هم بدهیم شاید لباس هم اگر باشد بدهیم هیچکس منکر نیست که با اطفال بی بضاعت باید همه نوع کمک کرد و وسایل تحصیل و لباس و حتی اگر ممکن باشد شام و ناهارشان را هم تهیه کنیم و بدهیم این خیلی خوب است ولی باید دید وسایل داریم یا نداریم بنده مکرر عرض کرده‌ام باید سعی کنیم این قانون طوری تنظیم شود که بعمل نزدیک باشد وضعیت ثوری و یک امر غیر قابل اجرائی را نداشته باشد و تأمل بنده هم در قسمت کتاب مجانی از همین جهت بود برای اینکه وسایل را باید فراهم کرد و باید فکر کرد که بچه‌ترتیب می‌توان کتاب تهیه کرد و بدانش آموز داد و چون آقایان اعضاء کمیسیون وزارت فرهنگ اصراری داشتند بنده هم ناچار موافقت کردم و البته باید فکر کنیم که بچه ترتیب ممکن است قسمت کتاب را تأمین کنیم برای اطفال بی بضاعت

ولی نوشت افزار یک اعتبار خیلی خیلی زیادی لازم دارد این را خواهش میکنم آقای نراقی مسترد فرمائید و قناعت بکنند بهمان که در ماده نوشته شده البته وزارت فرهنگ نهایت کوشش را خواهد کرد که به بچه‌های بی بضاعت نوشت افزار بجائی داده شود و شاید در آئین نامه‌هایی که نوشته می‌شود و به تصویب کمیسیون فرهنگ میرسد این را شاید در نظر بگیریم ولی با نوشتن در قانون ممکن است و شاید وزارت فرهنگ نتواند از عهده این کار بر آید که موظف باشد این کار را بکند بنابراین تقاضا میکنم مسترد فرمائید و در آئین نامه‌ای که به تصویب کمیسیون میرسد شاید راهی برای این کار در نظر بگیریم

**نراقی** - چون فرمودند شاید در نظامنامه‌ها پیش بینی بشود بنده مسترد میکنم

**رئیس** - پیشنهاد آقای طباطبائی

پیشنهاد میکنم ماده هم اینطور اصلاح شود:

ماده سوم - آموزش و پرورش در دبستانهای دولتی برای فقراء و اشخاص بی بضاعت در تمام کشور مجانی است و بهیچ عنوان نباید از دانش آموزان وجهی مطالبه شود بدانش آموزان مزبور کتاب و لوازم تحریر مجاناً داده خواهد شد

**طباطبائی** - عرض کنم که مدرسه درست کردن مدرسه مجانی برای عامه تأسیس کردن شعبه کار وزارت خوار بار است که گندم در سال سختی و قحطی خرواری ۴۰۰ تومان بخرد از جیب مردم از خزانه عمومی و بعد بیاید آن گندم را نان کند و به ثلث قیمت بدهد به همه افراد و همه طبقات و بعد اوضاع وزارت خانه از لحاظ بودجه و تسهیلات بیک صورتی نیفتد که در اینجا دوسه جلسه رویش صحبت کردید و دیدید شما میدانید که اینجا شکایت می‌کردند از نداشتن پول و بودجه حالا شما میخواهید مدرسه درست کنید و اطفال تمام طبقات را از غنی و متوسط و فقیر آنجا قبول کنید برای تحصیل برای چه؟ طبقاتی که توانائی دارند شما چرا برایشان تحصیل مجانی قائل می‌شوید الان هم همین طور است و این غلط است ملاحظه فرمائید مدارس دولتی از

کلاس اول تا ششم مجانی است بعد اگر يك کسی آمد این ۶ کلاس را تمام کرد خواست پایش را بگذارد بالاتر از او پول مطالبه می کنید اعم از اینکه داشته باشد یا نداشته باشد از آن سمت حالا می آید و يك همچو لایحه ای پیش بینی میکنید که در مدارس ابتدائی اطفال تمام طبقات مجانی باشد الان هم میفرمائید ما وسیله نداریم پول نداریم این است که من پیشنهاد کردم در این ماده سوم که لازم هم نبود در قانون ذکر شود اگر بیانات بهمین حال بماند چرا برای همه مجانی باشد باید دبستانهای دولتی برای فقرا و طبقات بی بضاعت مجانی باشد و طبقات دیگر که دارند رالحمد لله متمکن هستند طبقات اول و دوم که می توانند هر ماهه برای اطفالشان دوسه تومان شهریه بدهند پول بدهند یا بروند بدین مناسبت آقا هیچ پدری نیست که برای فرزند خودش در این راه از دادن ماهی دو سه تومان امساک بکند یا به طیب خاطر بدهند اگر هم يك چنین فردی در این مملکت پیدا شود بهتر است طفل او اصلاً درس نخواند پس از این طبقات پول بگیرد که بودجه داشته باشید و بتوانید با این پولها افرادی بضاعت اطفال بی پدر و مادر را که همین طور توی خیابانها ولو هستند جمع کنید و ببرید بمدرسه آنوقت همین پیشنهادی که الان شده بود بنده هم در پیشنهاد اصلاحی خودم قید کردم بان اطفال بی بضاعت کتاب و لوازم التحریر هم بدهیم کمک هم میکنیم و هر ماهه مبلغی هم بآنها پول بدهیم در وزارت فرهنگ مدتی يك کمک خرج جهائی هم ببعضی از اشخاص بی بضاعت داده می شد که آنرا هم در این او اخیر نمیدانم چه طور از محل اوقاف قطع کردند دیگر با کمک نمی کنند یا کمتر کمک میکنند یکی دیگر هم اینکه بعضی از وزارتخانهها و ادارات يك آموزشگاههای اختصاصی دارند که اینها از ولایات شاکرد می طلبند و این بیچاره ها می آیند این جا دو ماه سه ماه شش ماه در این وزارتخانه در آن اداره معطل و سرگردان گیرند و پریشان بلا تکلیف میمانند بارها بخود من مراجعه کرده اند و وزارت فرهنگ یکی از کارهایی که باید بکند این است که تمرکز بدهد فرهنگ يك کشور را در يك جا

وزارتخانههای مختلف نباید برای شهرت شهر کدام يك مدرسه داشته باشند وزارت راه بگوید این مدرسه من است و وزارت فرهنگ هم بگوید بمن مربوط نیست یا وزارت پست و مخابرات و امثال آن این ها را تمرکز بدهید اطفال مردم را که از ولایات دعوت میکنند باین جا اقل از زندگی شان را تأمین کنید خیلی سخت است گرانی است مردم نباید بلا تکلیف باشند محصل قبل از اینکه بمدرسه برود در درجه اول زندگی می خواهد در درجه دوم کتاب و لوازم التحریر در درجه سوم معلم و توی کلاس نشستن و بدین کوش دادن اگر شما آن دو مقدمه را که لازم و اساسی است بهش توجه نکنید هیچ نتیجه ای نخواهید گرفت و این لایحه شما هیچ نتیجه ای نخواهد داد جز درد سر انداختن يك هشت رعیت و زارع بدبخت در خارج بوسیله امنیه .

**هاشمی** - (بجای مخبر کمیسیون) جمله اخیری که فرمودید که بعضی از آموزشگاههای اختصاصی شاکرد از ولایات می طلبند امروز گمان نمیکنم دیگر همچو چیزی وجود داشته باشد . . .

**طباطبائی** - چرا آقا آموزشگاه شهر بانی هست . دیر روز چند نفر از آنها در دفتر خود من بودند .

**مخبر** - بلکه داوطلبانه خودشان می آیند وقتی داوطلبانه شاکردی از يك ولایتی آمد بدیهی است وضعیت خود را هم نسنجیده است و واقف شده است با آموزشگاه . اما موضوع دیگری که فرمودید بچه های اغنیاء يك شهریه بدهند در همه جای دنیا تعلیمات مقدماتی بطور عموم مجانی است حالا هم داریم می بینیم که کشورها يك مقننات خاصی دارد و بنده هم زیاد در این قسمت مصر نیستم و عرض میشود که خیلی اصرار ندارم بسته برآی مجلس است و شخص آقای وزیر اشکالاتی بیان میگردند که فردا در ضمن عمل مشکل است بیایند از يك عده شهریه بگیرند يك عده را معاف کنند و بروند تصدیق اصناف و تصدیق عدم بضاعت تهیه کنند برای اطفالشان تا در مدرسه ابتدائی پذیرفته بشوند . این خیلی مشکل است دبستان نخستین پایگاه و جایگاه است که باید

تمام اطفال بطور تساوی در آن جای بگیرند و آنکه شهریه میدهد آیا تصور نمیکنید که از طرف فراش مدرسه از طرف آموزگاران مدرسه از طرف مدیر مدرسه يك امتیازی و تبعیضی برایش قائل شوند نسبت بآن دیگری که شهریه نمیدهد و آیا تصور نمیکنند که اولیای مدرسه این شهریه بده را بر آن دیگری ترجیح ندهند ؟ اگر این تبعیض و این امتیاز ایجاد نشود بنده البته بعضی ندارم و بسته است برآی و نظر مجلس ولی مسلماً تبعیض خواهد شد . (صحیح است)

**وزیر فرهنگ** - بنده در شور اول هم عرض کردم که همیشه در همه کشورهای متمدن تعلیمات عمومی اجباری است و مجانی هم هست علت اینکه مجانی است این است اجباری است و نمیشود کسی را مجبور کرد و گفت پول هم بده اجباری هم باشد برای اینکه ضمناً زبان دولت هم دراز باشد و بگوید آقا من وسائل تعلیم طفل تو را فراهم کرده ام طفلت را بفرست بمدرسه کسی هم حق ندارد از او پول بگیرد . (صحیح است) و کسی هم حق ندارد استنکاف کند از اینکه بچه اش را بفرستد بمدرسه از طرف دیگر در چهار سال تا شش سال که پیش بینی شده است همه افراد مملکت متساوی هستند برای اطمینان همه دولت قطع نظر از (آن روز هم عرض کردم) وضع زندگی افرادی متمول یا بی بضاعت باید بفرستند بمدرسه و دولت هم همه را بيك نظر نگاه می کند و تربیت و تعلیم همه را یکسان تلقی میکند بنابراین از چندین نظر قبول پیشنهاد آقا مورد امکان نیست اولاً از نظر عمل ملاحظه فرمائید که تشخیص آن فوق العاده مشکل است که ما به بینیم واقفاً کسی با بضاعت است و کسی بی بضاعت (طباطبائی در مورد کتاب چطور تشخیص میدهد) ؟ آنرا بعد عرض میکنم . پس تشخیص مشکل است که کسی بی بضاعت است که کسی بی بضاعت ثانیاً از نظر اصلاحی ما نباید بچه ها را از کودکی فقیر و تحقیر کنیم و عادت بدهیم به پستی و خفت بچه که ناچار شد بوسیله گرفتن کواشیناها عدم بضاعت انگشت نما باشد بین بچه ها این عمل اثر بسیار بدی در اخلاق و روحیه او خواهد گذاشت این بچه کوچک این کودک شش

هفت ساله و قتی که بی بضاعت هم هست با آن با بضاعت باید خود را کاملاً برابر و مساوی بداند و مشمول عنایت و توجه دولت و در قبال دولت هر دو یکسانند بنابراین از لحاظ اخلاقی هم شایسته نیست که ما فرقی قائل شویم بین افراد افراد (صحیح است) اما برای کتاب که فرمودید بالاخره برای کتاب که لازم نیست برود از شهر بانی یا کلاستری تصدیق بیاورد خود مدرسه تشخیص میدهد هر طفلی که کتاب خواست باید باو داد بنابراین بنده تصور میکنم که آقا موافقت بفرمائید که این ماده بهمین صورتی که هست تصویب شود و برای بی بضاعت ها هم شاید در همان آئین نامه هائیکه از کمیسیون خواهد گذشت يك راههایی را در نظر بگیریم که به بی بضاعتها کمک بیشتری بشود که نظر آقایان تاحدی تأمین شود

**شاهروندی** - اجازه می فرمائید

**رئیس** - عضو کمیسیون هستید .

**شاهروندی** - بلی

**رئیس** - بفرمائید

**شاهروندی** - بنده خواستم عرض کنم سابق هم همین موضوع تبعیض بین اشخاص متمکن و غیر متمکن در مدارس دولتی بود و واقعاً ما گرفتار محظوراتی بودیم و در چند سال قبل از دولت تقاضا شد که این ترتیب را بردارند و عموم را مجانی کنند حالا هم عقیده بنده این است که بایستی مجانی باشد و تبعیض در کار نباشد .

**طباطبائی** - اجازه می فرمائید ؟ باید جوابی عرض کنم و توضیحی بدهم

**رئیس** - بفرمائید

**طباطبائی** - عرض کنم بنده نگفتم که با اطفال بی بضاعت بروید و بگوئید که تو بی بضاعت هستی يك چنین حرفی در پیشنهاد من نیست من پیشنهاد کردم که اطفال اشخاص توانا و با بضاعت بمدارس دولتی که می آورند یا شهریه بدهند یا ببرند بمدارس ملی حالا شما وحشت دارید از اینکه يك بدبختی که پایش برهنه است و شکمش گرسنه است شما اگر بدیگری بگوئید تو پول بده او بدش بیاید این خنطق اگر صحیح است

این شد جواب بنده و بنده از مجموع فرمایشات شان بیش از این نتوانستم چیزی استنباط کنم که اگر طفل آقای شاهرودی که میآید بمدرسه باو بگویند تو باید دو تومان بدهی آنوقت طفل بنده که ندارد چون از او دو تومان میخواهند من میرنجم پس ما بیائیم و با پول مردم مدرسه درست کنیم که اطفال اغنیا و توانگران مدرسه مجانی بروند.

**مخبر** - اولاً يك اصلی است که در همه جای دنیا تعلیمات ابتدائی عمومی و اجباری و مجانی است.

**طباطبائی** - دنیا باین جا مربوط نیست.

**مخبر** - چرا باید مربوطش کرد والا پس باید مدسه هم نباشد وقتی انسان تابع يك اصولی شد باید گفت ره چنان رو که ره روان رفتند بدبختانه اتومبیل را اینجا از خارج وارد میکنند ولی دستور اتومبیل سازرا که چه اندازه بارش کنی و بار گیری چقدر باشد رعایت نمیکنید و ملاحظه نمیکنید و اتومبیل را از بین میبرید ماهه چیز را درش اینجور میکنیم يك فکری را از خارج و از سایر ملل میگیریم ولی بجزئیات آن اهمیت نمیدهیم بنا بر این نه مقاد خوبی هستیم نه مجتهد خوبی. ملل قدیمه آلهائی که دارا نمدن بودند مثل یونانیها رومن ها بالاخره امتیازی بین افراد هیچوقت قائل نبودند از حیث خوراک و لباس نمیشود گفت بچه غنی که میآید بمدرسه يك متکائی هم برای خودش بیاورد مدرسه مثل سربازخانه باید باشد منظور این است که افراد بطور تساوی زندگی کنند و تحصیلاتی بطور تساوی بیاموزند با یکدیگر رفیق باشند و رفیق بار بیایند که بفرمایش آقای انوار وحدت ملی ملحوظ شود بدیهی است وقتی شاگرد غنی پول برداشت آمد مدرسه در روحیه شاگردان فقیر تأثیر دارد آقای طباطبائی محیط مدرسه غیر از سایر جاها است آن پول دار عزیزتر از سایر بچه ها خواهد بود که فقیر هستند پیش نظر اولیای مدرسه پیش نظر فراش مدرسه او را با اطفال بی بضاعت امتیاز میدهند و آن کسی که میخواهد بگوید من بی بضاعت هستم در اینصورت بمحض این که هر کس آمد گفت من ندارم که نیاستی بپذیرند باید يك سندی بیاورد در صدور این سند و

آوردن آن از روز اول باید نفس خودش را بذلت بدهد تا آن سندر تهیه کند اگر این عیوبی که عرض کردم وارد نیست این پیشنهاد را تعقیب کنید و بفرمائید پول بگیرند.

**رئیس** - موافقین با این پیشنهاد . . . . (چند نفر از نمایندگان - عده برای رأی کافی نیست) بنده واقعاً خیلی تعجب میکنم بتکرار اظهار هم بخرج آقایان نمیروم. این لایحه شور دوش است و باید رأی گرفت یا به پیشنهادت به مواد بنا بر این هر دقیقه و هر ساعت باید برای چند نفر که اکثریت را کفایت کند باید معطل شویم و نمیدانم چند دفعه باید در هر روز این حرف را زد و بخرج هم نمیروم؟

**طباطبائی** - اجازه میفرمائید بنده يك اخطار قانونی دارم يك استیاست که نموده میخوانم بعد رأی بگیرید. ماده ۲۵ قانون معارف است. مکاتب و مدارس مجانی که بخرج دولت داد میشود فقط برای تمتع اطفال فقرا و اشخاصی است که رسماً عدم بضاعت آنها از طرف مأمورین رسمی محلی تصدیق شده باشد.

**وزیر فرهنگ** - این قانون اساسی کشوری نیست این مکتوبات فرمودند قانون اساسی معارف است ثانیاً این ماده وقتی تصویب شده است درسی سال پیش که يك عده معدودی مدارس دولتی داشتیم و وسیله هم برای تأسیس مدرسه پیش از آن نداشتیم این بود که در قانون اساسی معارف قید شده که در مدارس دولتی اشخاص با بضاعت نیابند و البته آنوقت با امروز خیلی فرق دارد که شما میخواهید تعلیمات عمومی و اجباری را در مملکت اجرا کنید و حالا تصور نمیکنم اشکالی داشته باشد که تصویب بفرمائید که مدارس ابتدائی مجانی باشد.

**رئیس** - رأی بگیریم یا مسترد میکنید؟ (طباطبائی - بسته بنظر مجلس است) موافقین با پیشنهاد آقای طباطبائی بر خیزند (عده کمی قیام نمودند) تصویب نشد. پیشنهاد آقای ساکینیان:

پیشنهاد میکنم ماده سوم اینطور اصلاح شود: ماده سوم - آموزش و پرورش در دبستانهای دولتی دهات

و از برای اهالی کم بضاعت در شهرها در تمام کشور مجانی است و بهیچ عنوان نباید از این دانش آموزان وجهی مطالبه شود.

**نبیل سمیهی** - عین پیشنهاد آقای طباطبائی است که رد شد فقط انشائش با آن فرق دارد.

**رئیس** - آقای ساکینیان.

**ساکینیان** - اصل منظور این قانون بسط و توسعه تعلیمات ابتدائی هر چه زودتر در تمام مملکت و این منظور عملی نمیشود مگر اینکه از طرف اهالی هم مساعدت شود و بعقیده بنده از برای تعلیمات ابتدائی تمام کشور وزارت فرهنگ اساساً به ده هزار دبستان احتیاج دارد و مخارج و هزینه هر مدرسه هم در سال اقل از هزار تومان میشود و باید وزارت فرهنگ هر ساله ده میلیون تومان مخارج این دبستانها را بپردازد در صورتیکه عهده دار تعلیمات متوسطه و تعلیمات عالی هم هست و پرداخت این مبلغ برای وزارت فرهنگ نه فقط مقدور نیست بلکه مقتضی هم نیست در عین حال که اغنیا در تمام حوائج دیگر حاضرند برای فرزندان خود مخارج لازمه را بعهده بگیرند حاضر هستند مخارج مدرسه اطفالشان را هم بپردازند البته ممکن است وقتیکه يك اندازه از این اقتصادیات حالیه خلاصی پیدا کردیم آنوقت برای تمام اهالی مجانی باشد ولی با وضع فعلی اگر بخواهید تا دو سه سال دیگر در تمام کشور تعلیمات ابتدائی بسط پیدا کند باید در شهرها از آلهائیکه توانائی دارند اجرت تعلیمات ابتدائی را بگیرند.

**رئیس** - پیشنهاد آقای ساکینیان هم عین پیشنهاد آقای طباطبائی است که رد شد تکرار رأی نمیشود.

پیشنهاد می کنم تبصره زیر به ماده ۳ اضافه شود: تبصره - اطفال در دبستانهای دهات و قصبات از حیث لباس آزادند.

**وزیر فرهنگ** - حالا هم آزاد است در همه جا

**رئیس** - آقای انوار

**انوار** - آقای وزیر معارف میفرمایند آزاد است در کجا

است؟ آزاد نیست آقا پس از آنکه دستور دادید بکارخانه های اصفهان که فلان رنگ خاکستری باشد و آنها هم با قیمت گزافی آن پارچه هارا فروختند یادتان رفته است باید لباس شاگردان مدارس ابتدائی آزاد باشد که يك تحمیلی هم از این حیث به مردم نشود در ضمن خواستم يك نکته را هم عرض کنم که آقای طباطبائی توجه بفرمایند و آن این است که هر کاری را که دولت میخواهد اجباری کند باید خرجش را هم بدهد و نمیشود يك کاری را اجباری کنند و نوبی سرمن هم بزنند و بگویند خودت خرجش را بده حکومت دمکراسی و ملی معنایش این است اولاً آقا باید مردم را با سواد کرد و تعلیمات ابتدائی را عمومی کرد و خرجش را هم باید دولت بدهد ولی اگر بخواهند به تعلیمات عالی بروند خرجش با خودشان است با سواد شدن عموم مردم این يك تکلیف عمومی است و ما نمیتوانیم در اینجا فرق طبقاتی قائل شویم و بگوئیم که چون فلان کس دارد از او بگیریم و خرج دیگری که ندارد بکنیم این نمیشود وقتیکه تکلیف خواندن و نوشتن برای همه اجباری شد بر دوات واجب است که از خزانه عمومی خرج اینکار را بدهند و این موضوع چون عمومیت دارد باید مقنن قوانین وقتیکه آن قانون را وضع میکنند اول باید يك قدمهای سهل و آسانی برای اجرای آن بردارد که از اول اجرای قانون يك تحمیلاتی بمردم نشود و بهمین جهت است که بنده پیشنهاد کردم که قید متحدالشکل هم در لباس دبستانها مخصوصاً در دهات و قصبات از بین برود حالا آقای وزیر میفرمایند که در شهرها هم آزاد است این پیشنهاد بنده را آقای لاریجانی و آقای محیط و آقای دهستانی هم کرده اند بنده نظرم این بود که قیدی در دهات برای شاگردان دبستانها نباشد و بهمین نظر این پیشنهاد را تقدیم کردم **هاشمی** (مخبر کمیسیون فرهنگ) - البته اگر وسائلش بود وحدت شکل دخلی باختلاف آن نداشت خاصه برای دختران آقای انوار اگر دختران آزاد باشند باز دختران اغنیا میروند روی لباس فاخر پوشیدن (صحیح است) و این چیز عجیبی از کار در میآید و بنظر بنده

تکلیف مدرسه است که بلك لباس ساده متناسب با قوه فقرا دستور بدهد که اغنيا هم از همان لباس مجبور باشند بپوشند و راجع بلباس هم گویا از سال قبل در زمان وزارت آقای تدین بود که این قید برداشته شد چون دیدیم سال سخت است بمحض یاد آوری معلوم شد خوششان دستور داده اند که این قید برداشته شود مخصوصاً که اخیراً صاحبان کارخانه ها هم از این حیث بلك تمندی و تجاوزاتی میکردند برای بلك نوع پارچه بخصوص کسه میدیدند مورد احتیاج است ولی الآن آزاد است در همه کشور بدیهی است در مدارس ابتدائی هم سخت گیری نخواهد شد

**انوار** - چون نظر بنده تأمین شده است استرداد میکنم **رئیس** - پیشنهاد آقای مجد ضیائی: پیشنهاد میکنم پس از کلمه دانش آموزان بی بضاعت نوشته شود کتابهای درسی مجانی داده خواهد شد

**رئیس** - آقای مجد ضیائی **مجد ضیائی** - این جا در ماده نوشته شده است کتاب مجانی داده خواهد شد این کتاب مقصود يك كتاب است یا تمام کتابها است این را توضیح بفرمایند

**وزیر فرهنگ** - نظر آقا تأمین است چون در مدارس ابتدائی يك كتاب بیشتر نیست هر سالی يك كتاب دارند و ثانیاً كتاب اسم جنس است وقتی كه گفته میشود كتاب درس اگر چند كتاب هم باشد مشمول میشود

**مجد ضیائی** - پس میکنم **رئیس** - پیشنهاد دیگر آقای مجد ضیائی (مجد ضیائی آن را هم پس میکنم) **پیشنهاد آقای دهستانی:**

تبصره زیر را پیشنهاد میکنم تبصره - هر بنده تحصیل اطفالی که کفیل و بضاعتی ندارد وزارت فرهنگ مکلف است از درآمد های خیریه اوقاف که مصرف معینی ندارد و صرفه جوئیهای آن وزارتخانه تأمین نماید

**رئیس** - آقای دهستانی

**دهستانی** - عرض میکنم اطفال بی پدر و مادر و بی بضاعتی که در شهر هستند این ها را اگر ملاحظه بفرمائید اول گدا هستند و مشغول گدائی میشوند و بالاخره ولگرد هستند و وقتی بزرگ شدند چاقو کفش می شوند بنا بر این وزارت فرهنگ باید تکلیفی برای این قبیل اطفال معلوم کند و الا این ولگردی تا دامنۀ قیامت برای آنها باقی خواهد ماند

از طرف دیگر اطفالی هستند در دهستانها که برای آنها دارالایتم وجود ندارد البته در آنجا ها این اطفال گدائی نمیکند و این اطفال بی بضاعت را اشخاص دیگری نگاهداری میکنند عوض اینکه وقتی به سن شش سالگی و هفت سالگی که رسیدند آنها را بکارهای خودشان بگذارند والا نمیکند و ما اگر بخواهیم این عمل را بکنیم که در سن شش هفت سالگی آنها را برای تحصیل بدبستان بفرستیم آن اشخاص دیگر آن نگاهداری را از اطفال بی بضاعت و بی پدر و مادر نخواهند کرد این بود که بنده خواستم از آقای وزیر فرهنگ استدعا کنم که وسیله معاش و نگاهداری این قبیل اطفال را از محل خیریه اوقاف فراهم بیاورند و آنها را تربیت کنند که وسیله برای نگاهداری این بدبخت ها و بیچاره ها در دهات و شهرها باشد

**مخبر** - این تکلیفی که آقای دهستانی به وزارت فرهنگ میکنند البته خیلی خوب است ولی متأسفانه قوانینی که امروز در دست داریم برای انجام این منظور رسا نیست یکی دیگر اینکه این اطفالی را که میفرمائید در بچه گزی توجه میکنند و در پنج شش سالگی بگاؤ زراعت واقفدارند من زیاد این موضوع را سراغ ندازم شاید در حدود املاک هم باشد (محیط لاریجانی - در همه جا هست) بلك چنین چیزی در همه جا نیست و باید قانون را مطابق همه جا نوشت و بایستی این نظر را مقایسه با همه جا کرد و برای این قبیل اطفال باید در شهرها دارالایتم تأسیس کرد که در آنجا ها آنها را نگاهداری کنند و در دهات با بازشدن مدارس مجانی باید بلك فکر انجمنی دیگر برای این قبیل اطفال کرد و آنها هم

تصور میکنم محتاج بیک قانونی خواهد بود که اجازه داده شود از محل اوقاف بدهند والا این پیشنهاد در این قانون مورد ندارد

**دهستانی** - بنده وظیفه داشتم این پیشنهاد را تقدیم کنم حالا آقای وزیر فرهنگ اگر قبول کند یا نکند تأثیری ندارم و پس میکنم

**رئیس** پیشنهاد آقای محیط:

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده سوم تبصره افزوده شود که برای ایتم و اطفال بی پرستار دولت مکلف است از بودجه خود تحمل تحصیل و نگاهداری آنها را بنماید

**انوار** - این پیشنهاد خرج است

**رئیس** - آقای محیط

**محیط لاریجانی** - عرض میکنم در همه دهات بدون استثناء ایتم و فقرائی هستند که مادام که بچه تا پنج شش ساله هستند اشخاص دیگر آنها را نگاهداری میکنند تا آنها بزرگ شوند و همانطور که آقای دهستانی تذکر دادند بعداً آنها را برای کارهای زراعتی میبرند ولی اگر این اطفال را بخواهند در این موقع برای تحصیل ببرند آنها دیگر پرستاری ندارند و آن اشخاص هم از آنها نگاهداری نخواهند کرد این بود که بنده پیشنهاد کردم اگر واقعاً میخواهند اینها را تربیت کنند وزارت فرهنگ باید يك فکری بکند که معاش و زندگي آنها را تأمین کنند و تربیت شوند

**روحی** - این کار را مالکین دهات بکنند (سزاوار - صحیح است)

**رئیس** - این پیشنهاد خرج است همیشه رأی گرفت پیشنهاد آقای اوحدی:

پیشنهاد میکنم تبصره زیر به ماده ۳ اضافه شود

آموزش و پرورش مجانی تا کلاس چهار عمومی و از ۴ تا ۶ نسبت به فقرا فقط مجانی خواهد بود

**رئیس** - آقای اوحدی

**اوحدی** - در این ماده نوشته شده آموزش و پرورش در دبستانهای دولتی در تمام کشور مجانی است و در ماده قبل

در تبصره نوشته شده وزارت فرهنگ میتواند تازمانی که وسائل کافی در اختیار ندارد و مقتضی میداند تحصیلات را در کلاسهای ۵ و ۶ اختیاری قرار دهد مشروط بر اینکه این مدت از تاریخ تصویب این قانون از پنجسال تجاوز نکند پس عقیده وزارت فرهنگ بر این است که تا کلاس چهارم مجانی و هم اجباری باشد

ولی بنده پیشنهاد کردم که موافقت شود برای تأمین نظر دولت باینکه اگر مقصود خواندن و نوشتن است که عمومیت داشته باشد که مردم بالا جماع و بالا جبار بروند دنبال خواندن و نوشتن تا همان کلاس چهار این تکلیف را قرار بدهند زیرا شمدار کلاس ۵ و ۶ میخواهید حرف و صنایع را داخل کنید و دردهات هم این اطفال میخواهند بروند دنبال کشاورزی بنا بر این بنده برای اینکه جمع شده باشد بین نظرهای مختلفی که امروز در مجلس اظهار شد این پیشنهاد را تقدیم کردم که تا کلاس چهار اجباری و مجانی برای همه باشد و برای کلاس های ۵ و ۶ اگر دنباله پیدا کرد و فقرا و ضعفاً هم هستند که میخواهند داخل حرف و صنایعی بشوند نسبت بآنها همینطور مجانی باشد ولی اگر کسی قادر بود و توانا بود و خواست حرفه و صنعت را یاد بگیرد از آنها حقوق بگیرید و از حقوقی که از آنها میگیرند خرج ضعفافقرا بکنید این بود نظر بنده والسلام والا کرام

**مخبر** - اگر این فرض آقای اوحدی در ماده سوم و تبصره ماده دوم درست بود میشد نظر ایشان را پذیرفت ولی در آن فرض اشتباه فرموده اند و اشتباه از این جا است که تصور فرموده اند تحصیلات ابتدائی چهار سال است و کلاس های ۵ و ۶ اختیاری است و حال آنکه چنین نیست دوره تحصیلات اجباری و مجانی در کشور شش سال است فقط در تبصره ماده دوم گفته شده است تا وقتی که وزارت فرهنگ وسائل ندارد مدارس چهار کلاسه باز کنند و هر جا وسائل دارد کلاس ۵ و ۶ هم دائر کنند و آنها تا مدت پنجسال ولی اساساً دوره تعلیمات ابتدائی و عمومی و مجانی شش سال

است از این جهت تکلیف کردن اینکه در دو کلاس آخر هر کس با بضاعت است پول بدهد وارد نیست و موضوعی ندارد.

**اوحدی** - من که اشتباه نکرده‌ام ماده را خوانده‌ام و تبصره را هم خوانده‌ام و پیشنهاد خودم را هم پس نمیگیرم. **رئیس** - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای اوحدی موافقین برخیزند (چند نفر قیام نمودند) تصویب نشد. پیشنهاد آقای دهستانی:

پیشنهاد میکنم: هزینه اطفال بی بضاعت با مالکین خواهد بود. **رئیس** - آقای دهستانی.

**دهستانی** - آقای وزیر فرهنگ قبول فرمودند که از بودجه وزارت فرهنگ باین اشخاص اعانت و توجهی بشود بنده نظر خودم را اصلاح کردم باینکه در دهی که صد نفر جمعیت باشد اگر پنج شش نفر چنین اطفالی وجود داشته باشد و آنها هم وقتی بزرگ شدند تمام منافع و دسترنج آنها به مالک بر میگردد نگاهداری و اعاشه مدت تحصیل آنها بعهده مالک گذارده شود و هیچ مالک پست فطرتی هم نیست که صد رعیت داشته باشد و از نگاهداری ۴ - ۵ نفر طفل بی بضاعت خودداری کند و بنده تقاضا میکنم این پیشنهاد را قبول بفرمائید.

**چند نفر از نمایندگان** - این وضع مالیات است. **روحی** - اجازه میفرمائید بنده عضو کمیسیون هستم. عرض کنم من تعجب میکنم از این فرمایش آقایان دردهات و قراء و قصبات اطفالی هستند که سرپرست ندارند و امروز هم ما میخواهیم تعلیمات را عمومی کنیم باید برای این اطفال يك کسی باشد که خرجشان بکند و نگاهداری کند دولت که قبول نمیکند مالک را هم آقایان میگویند وضع مالیات میشود خیر آقا من له الغنم فعلیه الغرم آن کسی که عایدات این جا را میبرد باید حتماً چهار نفر بی بضاعت را هم که در این ده هست نگاهداری کند و بنده نمیدانم این دلسوزی آقایان برای این مالکین از چه نقطه نظر است یا

باید دولت قبول کند یا مردم قبول کنند که این اطفال بی بضاعت بیچاره بی سرپرست و آواره نمائند (محیط لاریجانی - صحیح است) والا نمیشود این اطفال بیچاره را همینطور سر خود ول کرد اینها چه کنند؟ نمیشود گفت که يك طفل بی پدر چهار سال با این که نان ندارد بیاید درس بخواند این طفل در این مدت چطور میتواند درس بخواند پس باید مالک همانطور که وقتی بزرگ شد پول و گندمش را میبرد این کار را هم بکنند بالاخره اینها هم اهالی این کشور هستند و آن مالکین هم از این کشور سود میبرند و نمیشود گفت يك اطفال بیچاره برای این که وسیله معاش ندارد از تحصیل بی بهره بماند.

**رئیس** - آقای مرآت اسفندیاری هم پیشنهادی در این زمینه داده اند خوانده میشود: پیشنهاد میکنم تبصره زیر بماده ۳ اضافه شود. مالکین هر ده مکلفند که از اطفال بی سرپرست آن ده نگاهداری نمایند تا دوره دبستان را بپایان برسانند **رئیس** - موافقین باین پیشنهاد آقای دهستانی و آقای مرآت اسفندیاری برخیزند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد رأی گرفته میشود به ماده سوم موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

### [ ۳ ] تقدیم يك فقره لایحه از طرف

**آقای نخست وزیر راجع بانحلال وزارت خواربار و معرفی آقای تدین بسمت وزارت مشاور** **نخست وزیر** - همانطور که آقایان محترم بخاطر دارند در دولت سابق مقتضی شده بود که يك وزارتخانه باسم وزارت خواربار تأسیس شود در این دولت هم مدتی آقای تدین تصدی این امر را داشتند و در این مهلت بنده باید اعتراف کنم که با نهایت صداقت و صمیمیت انجام وظیفه نمودند (صحیح است) از چندی باینطرف ایشان درصدد کناره گیری بر آمدند و بالاخره بنا به پیشنهاد وزارت خواربار و رئیس کل دارائی و تصویب هیئت دولت اینطور مقتضی دیده شد که بموجب اختیاراتی که از طرف مجلس شورای ملی بر رئیس کل دارائی داده شده است امروز باز هم تحت اختیار آقای

دکتر میلسپو قرار میگیرد بنابراین چون تأسیس وزارت خواربار بموجب قانونی بود و حالا با واگذاری امور خوارباری بوزارت دارائی یعنی به آقای دکتر میلسپو دیگر برای وزارت خواربار کار زیادی نمیماند لهذا قانون انحلال آن را تقدیم مجلس شورای ملی میکنم و ضمناً چون وجود آقای تدین احتیاج زیادی داریم و ایشان را لازم داریم ایشان را هم بسمت وزارت مشاور معرفی میکنم

**انوار** - وزارت مشاور چرا تأسیس کرده‌اید وزارت عدلیه را که محتاج هستیم معرفی کنید. والله دستگاه قضاوت ما ازین رفته است

**نراقی** - وزارت عدلیه را هم منحل کنید ما را راحت کنید **[ ۴ ] بقیه شور دوم لایحه آموزش عمومی** **رئیس** - لایحه به کمیسیون میرود. ماده چهارم قرائت میشود.

ماده ۴ - وزارت فرهنگ در نقاطی که وسایل تعلیمات اجباری فراهم گردیده اجباری بودن آن را در فروردین ماه پس از صحنه ملوکانه اعلام مینماید.

**رئیس** - آقای امیر تیمور. **امیر تیمور** - ما در جمیع شئون زندگی مان قانون داریم و از حیث قانون بقدر کافی غنی هستیم و اگر بیک قدری زحمت مراجعه بقوانین را بخودمان بدهیم معلوم میشود که برای جمیع احتیاجات کشور قانون مخصوصی در موقع خودش وضع شده است منجمله برای همین تعلیمات عمومی در دوره دوم مجلیح قانونی گذاشته است بنده بعضی از مواد آن را الآن عرض میکنم مثلاً ماده ۳. تعلیمات ابتدائیه برای عموم ایرانیان اجباری است.

ماده ۷: ملل غیر اسلامی در مدارس دولتی حق تقاضای تحصیل مذهب خودشان را ندارند مجبور ب تحصیل شرعیات اسلامی نیز نخواهند بود. ماده ۱۷: پرگرام مکاتب و مدارس ابتدائیه و متوسطه باید تعلیم واجبات دینی را بقدر لزوم شامل باشد. منظور این است که ما تمام آن قسمتهائی که در این قانون فعلی میخواهیم از تصویب مجلس بگذرانیم در

قانون اساسی فرهنگ موجود است و برای اجرای تعلیمات اجباری و عمومی در کشور کوچکترین مانع و رادع قانونی وجود نداشته است و ندارد تا حالا اجرا نکرده اند حالا هم يك تعارف علیحده باز میخواهیم اضافه شود در هر حال گذشته از این موضوع ما اگر حساب را رعایت کنیم موفق میشویم تمام تصمیماتی را که میگیریم بموقع خودش اجرا کنیم طبق ماده بیست و پنج این قانون فرهنگ متعرض شده است تعلیمات ابتدائی برای اطفال فقرا مجانی است و آقای طباطبائی پیشنهادشان روی همین اصل بود برای این است که از پول غیر فقرا بتوانیم صرف خرج سایر اشخاص بکنیم و تعلیمات را در تمام کشور بسط بدهیم و اگر غیر از این باشد عملی نخواهد شد برای اینکه تقریباً ۵۴ هزار ده و قریه و قصبه در این کشور داریم و برای هر يك يك مكاتب ابتدائی اگر در نظر بگیریم مخارج سالیانه این مدارس بالغ بر پنجاه و چهار میلیون تومان میشود روی حساب ساده و البته حالا خواهند فرمود که دفعه واحده این پنجاه و چهار میلیون مورد خرج پیدا نخواهد کرد زیرا دولت و وزارت فرهنگ از عهده انجام این امر که تعلیمات ابتدائی را آنآ در تمام مملکت بسط بدهد نخواهد بر آمد این را هم بنده تصدیق میکنم ولی بعد از ده سال که مطابق این قانون تعلیمات ابتدائی اجباری و مجانی را میخواهند در تمام کشور عملی بشود آیا میتوانید بعد از ده سال پنجاه و چهار میلیون تومان اختصاصاً برای مدارس ابتدائی تان خرج کنید. اگر چنین چیزی بود بنده هم کمال آرزو را دارم ولی با توجه به بنیه مالی کشور بنده قول قطعی بهتان میدهم که پنجاه و چهار میلیون تومان را برای مدارس ابتدائی شما موفق نخواهید شد خرج کنید برای کلیه بودجه فرهنگ هم موفق نخواهید شد پنجاه و چهار میلیون خرج کنید و این يك تعارف بیشتری نیست ولی اگر نیت شما این بود که تعلیمات ابتدائی را در تمام مملکت بسط بدهید راهش همان ماده بیست و پنج قانون اساسی فرهنگ است که از بچه های اغنیاء و ثروتمندان پول گرفته شود و اشخاص بی بضاعت مجانی باشند بنده میخواستم باینکه يك

چنین ماده با کمال صراحت وجود دارد دلیل و منطقتش هم با خودش است و آقای طباطبائی هم استدلال کردند آقای وزیر معارف هم قبول نکردند و این قبول نکردن این قانون شما را محکوم به نیستی میکند و عملی نخواهد شد و من بشما قول میدهم که این قانون عملی نخواهد شد و یک تعارف و تظاهری است و عمل نخواهد شد.

**مخبر -** فرمایشات آقای امیر تیمور مربوط بماده سوم است که از تصویب مجلس هم گذشت و این قانون را هم که ایشان در دست گرفته اند قانون اساسی کشور که نیست با تصویب ماده سه در پنج دقیقه پیش آن قانون معارف آن ماده از بین رفت و مرد دیگر پرمده نمیشود استناد کرد آن مرد مجلس شورای ملی که رأی داد آن از میان رفت اما اینکه فرمودند چهل و پنج هزار قریه داریم و چهل و پنج هزار دبستان لازم داریم خیر قرائی که قابل تأسیس دبستان چهار کلاسه و شش کلاسه باشد بطور تخمین بیش از چهار هزار یا چهار هزار و پانصد تا نداریم یعنی قریه ای که چهار پنج هزار جمعیت داشته باشد بیش از چهار هزار نداریم.

**رئیس -** آقای رضوی.

**رضوی -** بیانات آقای امیر تیمور بنظر بنده مربوط به ماده سوم بود ولی در هر حال دهاتی که شایسته تأسیس مدرسه است در ایران بنظر بنده بدو هزار هم نمیرسد در جاهائی که ده قریه نیست قریه باشد در مرکز آن باید یک مدرسه تأسیس کنند همیشه هم باید قضایا را از طرف مفیدش در نظر گرفت برای اینکه ما تصدیق کردیم دوی این مملکت تحصیلات اجباری است یا بنده دولت را مکلف کنیم و خودمان کمک کنیم که این لایحه عملی بشود برای اینکه اگر واقعا در مملکت تعلیمات عمومی و اجباری عملی میشد خیلی از این جنابائی که واقع میشود واقع نمیشد و بهترین اصلاح این چهل و پنج هزار بنظر بنده همان تعلیمات اجباری است تنها عرض بنده در این ماده چهارم این است که هر مملکتی قوانینی که وضع میکنند بقتدیری باید مطالعه اوضاع و احوال را هم بکنند ما در تمام قوانینی که گذشته است و شروع یا اجرا شده

که در اجرا گیر کرد باید بیاید اینجا بگوید که فلانجا را توانستیم و فلانجا را نتوانستیم این عرض بود و خواستم یک کلمه سال هم اینجا چون عبارت خوب تنظیم نشده اصلاح شود در نقاطی که وسایل تعلیمات اجباری فراهم گردید وزارت فرهنگ اجباری بودن آنرا در فروردین ماه همان سال اعلام خواهد کرد امسال هم میخواهد که بعد از فروردین ماه گذاشته شود.

**مخبر -** نسبت بالحاق وزارت فرهنگ بعد از این جمله قبول میکنم.

**وزیر فرهنگ -** بنده هم قبول میکنم.

**رئیس -** آقای طباطبائی

**طباطبائی -** این ماده بنظر بنده علاوه بر اینکه فایده ندارد زاید هم هست ملاحظه فرموده اید همه ساله یک اعلان های خیلی بزرگ از طرف شهرداری چاپ میشود و بدیوار ها الصاق میشود که از ریختن زباله یا ریختن شویی در مجاری آنها احتراز کنید و آب تمیز بخورید و چه و چه کوچکترین اثر را نمیکند چون بنده از کار طبع خیلی بی اطلاع نیستم این اعلانات که منتشر میشود همین اعلان مربوط به مجاری آب لااقل بیست هزار تومان خرجش است اگر همین پول را بلدی بدهد به مأمورین و مراقبت بکنند که مجاری آنها اینطور کثیف نباشد و مردم آلوده نکنند بنده عرض نمیکنم که آنها آلوده نمیشود ولی در صدی سی تا چهل از اینکار جلوگیری میشود وزارت فرهنگ نمیتواند حالا این کار را میکند سالهای گذشته اعلانات بزرگی داشت که عکس بزرگی را نشان میداد و یک چند کلمه حساب و یک بچه و نشان میداد که آموزش و پرورش لازم است و مردم بیایند کلاسهای اکابر ممکن است این اعلان سی چهل تا پنجاه هزار تومان خرج آن بشود اگر قبول ندارند بیایم خدمتتان حساب کنیم با این پنجاه هزار تومان که خرج بیهوده شما می کنید ممکن است لااقل چهار پنج تا مدرسه درست کنید و نمیکند این کار غلط است که فقط یک جنبه تظاهر و خودنمایی داشته از سابق معمول شده و دست بردار نیستند و این ماده چهارم رفته است روی آن فکر پوسیده که هر سال در فروردین ماه یک اعلان

کننده و بزرگ در بیاید که ما میخواهیم تعلیمات را اجباری کنیم چه لزوم دارد قانون که از تصویب مجلس گذشت پس از صحنه ملو کانه که شما هیچ نگرانی نداشته باشید قانون میشود و رسمیت دارد وزارت فرهنگ بتدریج در ظرف ده سال باید این کار را بکند خود وزارت فرهنگ هر کجا وسایل داشت و خودش راهها و آماده دید شروع به اجرای تعلیمات عمومی میکند. اما این کاری که میخواهد بکند مبالغه هنگفتی خرج اعلان خواهد شد با این گرانی کاغذ که از کیلوئی سه قران و ده شاهی رسیده است به ۵۸ تومان و یک مدتی هم صرف وقت خواهند کرد و یک شعبانی از وزارت فرهنگ وقت خودش را صرف این کار خواهد کرد این ضررها پیش بود که عرض کردم اما منفعتش هم هیچ این است که موافقت بفرمائید این ماده برداشته شود.

**وزیر فرهنگ -** این ماده حذفش جایز نیست برای اینکه در هر نقطه که وسایل اجباری بودن تعلیمات فراهم شد باید اهالی مطلع بشوند باید با آنها اطلاع داد برای اینکه مواد بعد که ملاحظه خواهید فرمود آنها را ملزم میکند اطفال خودشان را بدبستان بیاورند و البته اگر آنها اطلاع ندهیم بعد نمیشود برای آنها یک مجازاتی قائل شد اما ایرادی که فرمودند که این اعلان مستلزم این خواهد بود که ما خرج زیادی بکنیم و اعلانات بالابلندی بکنیم چنین چیزی نیست بعلاوه یک کلمه هست که توجه فرمودید شاید این تو هم برای تان دست داده اینجا نوشته اعلام مینماید اعلام با میم با اعلان با نون البته یک تفاوت لطیف خیلی کوچکی است ولی وقتی که میگویند اعلام یعنی اطلاع خواهند داد ولی اعلان وقتی گفته میشود یعنی آنکه در روزنامه و یا در دیوار باشد و اینجا مخصوصاً نوشته شده است که بصره همایونی میرسد و بعد این مطلب اعلام میشود مراد این نیست که پس از صحنه همایونی اعلان میکنند بلکه مراد این است که با اطلاع عامه میرسد و اطلاع عامه هم مستلزم این نیست که اعلانات بلند بالائی و گرانی قیمت تهیه بشود.

**رئیس -** پیشنهاد آقای مهدوی.

پیشنهاد مینمایم ماده چهارم بشرح زیر اصلاح شود :  
ماده چهارم - وزارت فرهنگ بعد از تصویب این قانون در تمام نقاط کشور بالسویبه و به تناسب ساکنین هر محل شروع بفرام نمودن وسایل تعلیمات اجباری مینماید و پس از داشتن وسائل کافی در سراسر کشور اجباری بودن تعلیمات اجباری را پس از صحه ملوکانه اعلام مینماید .

رئیس - آقای مهدوی

مهدوی - بعقیده بنده این ماده چهارم روی بی عدالتی تنظیم شده چون نمیشود تصور کرد که چطور در يك نقطه مملکت فرض بفرمائید يكسال دیگر وسایل تعلیمات اجباری مهیا خواهد شد و در نقاط دیگر نخواهد شد مثلاً فرض بفرمائید در تهران یادر کرمان تا یکسال دیگر دولت دبستان جدید ایجاد خواهد کرد و مثلاً در سیستان تا ده سال دیگر دو تا سه تا دبستان جدید ایجاد نخواهد کرد این است که از لحاظ عدالت بنده عقیده ام این است که دولت شروع بکند بفرام نمودن وسایل اینکار در همه جا و بعد که در همه جا وسایل فراهم شد تعلیمات اجباری را اعلام بکند .

سخنبر - این پیشنهاد عملی نیست رأی بگیری

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای مهدوی آقایانی که موافقت برخیزند ( عده کمی برخاستند ) تصویب نشد پیشنهاد آقای دهستانی

پیشنهاد میکنم تبصره زیر اضافه شود :

تبصره وزارت فرهنگ مجاز است در دهاتی که جمعیت زیاد نداشته و متفرق هستند تعلیمات اجباری را بطور سیار عمل نماید .

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - عرض کنم چون آقای دکتر سیاسی هیچ حاضر نیستند هیچوقت ح-رف حسابی بنده را قبول کنند و علت هم این است که ایشان شهر نشین هستند و از حال رعیت ده نشین اطلاع ندارند دهات پر جمعیت البته دارای دبستان خواهد شد ولی از طرف دیگر معلم و سازمانی نداریم که در تمام کشور این نظر را تأمین کنیم بنده پیشنهاد کردم

و بنظر بنده مطلبی نیست که قابل عدم موافقت باشد اگر آقایان موافقت بفرمایند بهتر است

وزیر فرهنگ - در این ماده پیش بینی نشده است که تهران مقدم خواهد بود بر شهرستانها بهیچوجه همچو چیزی نیست فقط نوشته است که وزارت فرهنگ به تناسب وسایلی که دارد در نقاط مختلفه تعلیمات را در آنجاها تعمیم بدهد نمیشود گفت اگر در تهران ( حالا سابق بر این بیشتر توجه بتهران شده است بنده کار ندارم ) یا در فلان نقطه وسایل فراهم تر است آنرا باید عقب انداخت و بنده اطمینان میدهم به آقای رضوی که وزارت فرهنگ شهرستانها را بیشتر در نظر خواهند گرفت و آنجاها را جلو خواهند انداخت فقط تقاضای بنده این است که دست وزارت فرهنگ باز باشد و مجبور نباشد که آنوقت اگر وسایلی در تهران دارد نتواند اینجا هم اینکار را

اجرا بکند بنده قول میدهم اطمینان میدهم که توجه بیشتر بر شهرستانها خواهد بود .

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای رضوی آقایانی که موافقت برخیزند ( عده ای برخاستند ) تصویب شد رأی میگیریم بماده چهارم با اصلاحی که شده آقایان موافقت برخیزند ( اکثر برخاستند ) تصویب شد .

۵- موقع ودستور جلسه آتیه ختم جلسه

رئیس - اگر اجازه بفرمائید جلسه را ختم کنیم جلسه آتیه روز ۳شنبه چون روز شنبه عید است و برای یکشنبه نمیتواند صورت مجلس را تهیه کنند جلسه روز سه شنبه ۴ ساعت پیش از ظهر دستور همین لایحه ( مجلس مقارن ظهر ختم شد )  
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری